

همشهری

حافظ

وصل تو اجل را از سرم دور همی داشت
از دولت هجر تو کنون دور نمادست

صفحه ۱ از ۱۰۰

صفحه آخر

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (مج)، کوچه شهید سید کمال فرشی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۴-۱۹۶۶۴ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۵۱۵۴۴۴
تلفن: ۲۲۰۲۳۰۰۰، ۲۲۰۲۳۰۰۰۰، ۲۲۰۴۰۶۷، ۲۲۰۴۰۶۷

پیش از آگهی: ۴۳۲۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
تلفن توزیع: ۶۱۹۲۳۰۰
تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

حضرت امیر المؤمنین علی:
هر که جوینده چیزی باشد به تمام آن پابه قسمتی از آن می رسد.

اذان ظهر: ۱۲:۰۳ غروب آفتاب: ۱۸:۴۱
اذان مغرب: ۱۹:۰۰ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۸
اذان صبح فردا: ۳:۵۶ طلوع آفتاب فردا: ۵:۳۵

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سرپریر: دانیال معمار
دبیر تحریریه: سید مجتبی صادقی
معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد قوقانی
مدیر فنی: حامد رزادانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین راجلو
شهرنگار:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
دبیر: مریم باقرپور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
دبیر: مریم موسی پور

تماشگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
مدیر: بهزاد عباسی
تندرستی:
مدیر: عیسی محمدی
دبیر: مریم سرخوش

سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: سعید مروی
دبیر: محمد جعفری

دانشتیه:
مدیر: ساسان شادمان
دبیر: بهزاد خلجی

سرمزین من:
مدیر: محمد بابک کانی

جامعه:
دبیر: بهیمه طباطبایی
گزارش:
مدیر: مسعود میر
دبیر: فاطمه عسگری نیا

۲۴ (سینما و تلویزیون):
مدیر: سعید مروی
دبیر: علیرضا محمودی

مشقه اثر:
دبیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
دبیر: محمد علی حلیمی

کوچه گرد

عمارت ظهیر الاسلام؛ نگینی در قلب تهران



مهرشاد کاظمی

در قلب شلوغ تهران، عمارتی تاریخی از دوران قاجار همچون نگینی می درخشد، بنایی با پیشینه ای غنی که روایتگر بخشی از تاریخ معاصر ایران است. عمارت ظهیر الاسلام، متعلق به اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، نه تنها از نظر معماری کم نظیر است، بلکه به دلیل ارتباط نزدیک با چهره های سرشناس سیاسی و اجتماعی از اهمیت تاریخی ویژه ای برخوردار است.

تاریخچه و مالکیت: از قاجار تا امروز

بر اساس اسناد تاریخی، این عمارت در ابتدا متعلق به میرزا سیف الدوله، نوه فتحعلی شاه و حاکم ملایر بود و سپس به سیدزین العابدین امام جمعه (معروف به ظهیر الاسلام)، داماد ناصرالدین شاه و پدر زن دکتر محمد مصدق رسید. ظهیر الاسلام، امام جمعه تهران و از شخصیت های تأثیرگذار عصر قاجار در سال ۱۳۲۱ ه.ق در گذشت و در آرامگاه سر قبر آقا دفن شد.

در میان اهالی مشهور است که محمدولی خان تنکابنی (سپهبدار اعظم) از فاتحان تهران در دوره مشروطه، نیز مدتی در این عمارت سکونت داشته است. پس از آن، مالکیت بنا در دوره پهلوی اول به سید مصطفی کاظمی، دادستان دیوان محاسبات و معاون وزارت عدلیه رسید و در ۱۳۲۶ به عبدالحسین آزادبیدی منتقل شد. این خانه تا سال ۱۳۸۰ در اختیار ورثه آزادبیدی بود تا اینکه سازمان تأمین اجتماعی آن را خریداری کرد.

معماری: تلفیق هنر ایرانی و اروپایی

عمارت ظهیر الاسلام نمونه ای کم نظیر از ترکیب معماری مکتب تهران و سبک فرنگی است. این بنا با تزئینات ظریف، آرسنی های چوبی و نقوش سنتی، همراه با تأثیر پذیری از معماری اروپایی، جلوه ای منحصر به فرد دارد. متأسفانه ظهیر الاسلام سال ها به حال خود رها شده بود، اما در سال ۱۳۹۶ با همت سازمان تأمین اجتماعی و مؤسسه پژوهشی فرهنگ و هنر دانشگاه تهران مرمت شد و در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.



پتانسیل تبدیل به موزه تأمین اجتماعی

با توجه به پیشینه تاریخی این بنا و نقش سازمان تأمین اجتماعی در حفظ آن، ایده تبدیل عمارت به موزه تأمین اجتماعی می تواند فرصتی استثنایی برای معرفی تاریخچه بیمه و رفاه اجتماعی در ایران باشد. این سازمان که ریشه های آن به زمان نخست وزیری دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ بازمی گردد، با گردآوری اسناد و اشیای تاریخی مرتبط می تواند این مکان را به قطبی فرهنگی-تاریخی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی تبدیل کند.

آینده ای درخشان برای میراث قجری

عمارت ظهیر الاسلام با معماری چشم نواز و موقعیت مکانی ممتاز، پتانسیل آن را دارد که نه تنها به عنوان یک خانه موزه، بلکه به عنوان مرکزی برای فعالیت های فرهنگی، هنری و گردشگری احیا شود. حفظ چنین میراثی، گامی مهم در پاسداشت هویت تاریخی تهران و معرفی آن به نسل های آینده است. تهران، شهری که تاریخ در گوشه گوشه اش نفس می کشد با عمارت های مثل ظهیر الاسلام یادآور شکوه گذشته است؛ یادگاری که باید زنده بماند. این عمارت در منطقه ۱۲ در خیابان قاندی (هدایت) واقع شده است.



آسیاب های از نفس افتاده

آسیاب ها، روزگاری در تهران شوکت و جلالی داشتند اما حالا تنها خرابه هایی از آنها باقی مانده و آثاری از گذشته اند

نشان های از لطف خداوند به انسان؛ و تهیه نان، در این سرزمین، فرایندی عاشقانه و انسان ساز بود؛ زیرا خوشه های گندم را کشاورز با ناز می پروراند و دانه های گندم، در میان چرخش سنگ های روئین و زیرین آسیاب، بدون آنکه دم برپیاورند، خرد می شدند و روی زرد و گندم گونشان، آهسته آهسته به سبیدی می گرایید. آنگاه با آب که نماد روشنائی است، در هم می آمیختند و با آتش عشق نانوا، از خامی به در می آمدند و سفره های آدمیان را رنگین می کردند. و تنها توقع نان از انسان سرگشته این بود که فراموش نکند ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار شدند تا او تانی به کف بیاورد و البته به غفلت نخورد، اما امان از انسان فراموشکار که برکت نان که هیچ، حتی ابزارهای تهیه نان را از یاد برده است. مثلاً تا همین نیم قرن پیش، در همین تهران خودمان آسیاب ها، بخشی از زندگی پایتخت نشینان بودند و در هر کوی و برزن، بادها و آب ها سنگ آسیاب های محلی را می چرخاندند و گاهی آن قدر سر آسیابان شلوغ می شد که مجبور می شد

به مشترکانش بگوید: «آسیاب به نوبت» اما حالا اگر حتی به میانسالان پایتخت هم بگوییم تنها در منطقه دولاپ تهران، ۱۷ آسیاب آبی وجود داشت و اهالی طرشت، جلوی ۲ آسیاب محله ششان صف می کشیدند تا نوبت شان شود و آسیابان گیلانی دربند از آسیاب چیذر و یوسف آباد و والی، مردم دارتر است. باور نمی کنند.

در اینجا و به پنهان روز گندم و نان، چند آسیاب تهران را معرفی می کنیم که تا نیم قرن پیش، زنده بودند و حالا تنها آثاری از آنها باقی است.

یوسف آباد

هر جا فراوانی آب بود، آسیاب هم بود و چرخش برای اهالی محل می چرخید. در گذشته های دور، روستاهایی در شمال تهران قد کشیده بودند که پر آب بودند و آباد. یکی از آنها یوسف آباد بود. جایی که میرزا یوسف آشتیانی معروف به مستوفی الممالک صدراعظم ناصرالدین شاه اراضی آن را از دولت گرفته بود و آنجا را آباد کرده بود؛ و این آبادانی به آسیاب هم نیاز داشت. آسیاب آبی یوسف آباد، بعد از حدود ۱۵۰ سال، تنها آسیاب سنگی به جای مانده از دوران گذشته است که هنوز از نابودی، در امان مانده است. این آسیاب در سال ۱۳۸۶ در فهرست آثار ملی قرار گرفت.



آسیاب کهک

آسیاب های تهران، بیشتر آبی بودند و معمولاً چرخشان از عهد قاجار به بعد، دیگر چرخید حتی بی مهربی های طبیعت، به بیشتر این بناهای نان آور، رحم نکرده و آنها را از بین برده است. یکی از این آسیاب ها که با بقتل می چرخید، آسیاب کهک در خیابان شقایق در محله مرزداران است. از این آسیاب آبی، تنها تنسوره و انبار نگهداری ارد آن باقی مانده است. این آسیاب در حدود سال ۱۲۲۲ شمسی بنا شد و صاحب آن، مهرنوش خانم، خواهر لطفعلی خان فراش باشی آن را وقف نیازمندان و برگزاری عزیزی کرده بود. کهک نیز مثل بسیاری از آسیاب های تهران در دهه ۴۰ و همزمان با ساخت کارخانجات آرد در تهران از حرکت ایستاد.

آسیاب جعفر آباد جنگل

در منطقه ۱۹ و در ۳ کیلومتری بزرگراه خلیج فارس، در روستایی به نام پلایین، بنای یخچالی طبیعی وجود داشته که از آن دیوار سایه انداز چینه ای به طول ۱۸ و عرض ۷ متر، ۳ دهانه طاق های توپزه ای و پاچال (توچال) باقی مانده است. در ۷۰ متری این یخچال و در دوره قاجاریه، آسیابی آبی بود که با آجر و ملات ساروج ساخته شده بود و چرخش با آب همان یخچال طبیعی می چرخید. از این آسیاب تنها دیواری با ضخامت ۱/۲ متر باقی مانده است. این آسیاب در عمق ۲/۵ متری قرار داشت و قطر آن به بیش از ۴ متر می رسید.

آسیاب والی

وقتی حوالی پل چوبی قدم بزنی، دیوارهای بلندی در خیابان امامی هست که در می ندارد و حالا تنها خرابه ای بیش نیست؛ اما در روزگاران دور، در اینجا هم آسیابی برپا بوده است. در سال ۱۳۲۲ مسئولیت آسیاب والی، تنها خرد کردن سنگ بود، اما صاحبان جدیدش، کاربری آن را تغییر دادند و گندم آرد می کردند. آسیاب والی هم تا زمانی که قنات نزدیک آن جریان داشت، زنده بود. در کف اینجا، گودال هایی هست که آب باران و فرسودگی، آنها را ایجاد کرده، اما می توانید بقایای ساختمان آسیاب را زیر این گودال ها هم مشاهده کنید.

تهران مصور

نخستین اتوبوس های تهران

این روزها در تهران، اتوبوس بعد از مترو، گوی حمل و نقل عمومی را برده است؛ تا جایی که اگر برای دقایقی تأخیر داشته باشد، شهروندان تهرانی برای رسیدن به مقصد دچار دردسرهای بسیاری می شوند.

نخستین اتوبوس، ۱۳ سال قبل وارد ایران شد و توسط تاجر بلژیکی در شهر رشت مورد استفاده قرار گرفت، اما به مرور زمان و با توجه به میزان کرایه، سودآوری و زیرساخت های حمل و نقل

توجیه اقتصادی آن رد شد. همان اتوبوس به یکی از تجار ایرانی به نام معین التجار فروخته شد. او نیز پس از انقلاب مشروطه، اتوبوس خود را به تهران آورد و با کرایه هر نفر ۳ شاهی، اتوبوس در تهران فعال و به مرور زمان تقاضا برای استفاده از این خودرو بیشتر از قبل شد.

پس از چند سال با ورود چند اتوبوس توسط تجار مختلف به شهر، رونق زیادی در جابه جایی مسافر شکل گرفت، اما اغلب اتوبوس ها با توجه به



نخستین اتوبوس ۱۳ سال قبل وارد ایران شد و توسط تاجر بلژیکی در شهر رشت مورد استفاده قرار گرفت، اما به مرور زمان و با توجه به میزان سودآوری و زیرساخت های حمل و نقل توجیه اقتصادی آن رد شد.

تهرانگرام

نان عشقی بخورید



ساکنان قدیمی محدوده محله های حصار بوعلی، نیاوران و فرمانیه هنوز هم مشتری پر و پاقرص نانوائی قدیمی کوچه ناطقیان هستند که قدمتی ۹۰ ساله در محله دارد و سال ها است عطر ناناش در محله می پیچد. حتی رهگذرانی که برای یکبار هم از آن کوچه رد شده باشند، حتماً وسوسه چشیدن طعم نان عشقی از سرشان گذشته است.

این نانوائی یک نام تازه دارد: «نانوائی عشقی»! صاحب نانوائی روستای حصار بوعلی «غلامحسین قره گزلو» بود که اهالی به لقب «عشقی» داده بودند. مشتری نانوائی معتقد بودند این شاطر خوشنام، نان ها را با عشق می پزد و به مردم می دهد.

معروف بود که هر کی نان عشقی زیر زبانش مژه کند، از شمیران نمی رود و به عشق خوردن این نان های خوشمزه، همین جا ماندگار می شود. ویژگی اصلی نان عشقی کیفیت مرغوب آن بود. مرحوم قره گزلو، از آرد مرغوب استفاده می کرد و برای پختن نان با عشق و علاقه ای که به مردم محله اش داشت صبر و حوصله به خرج می داد. آن زمان در شمیران زمین های گندمزار بسیاری وجود داشت و آرد نانوائی عشقی از همین گندمزارهای شمیران تهیه می شد. حتی در زمان جنگ جهانی دوم که اغلب نانوائی ها هسته خرما را آرد می کردند و از آن نان می پختند، عشقی باز هم از آرد خالص گندم، نان می پخت و دست مردم می داد. نانوائی ابتدا در محل مسجد فعلی محله حصار بوعلی شمیران بود. بعدها جای آن نانوائی را مسجد ساختند و نانوائی به محل کنونی، یعنی روبه روی مسجد منتقل شد. اهالی آنقدر به شاطر محله علاقه داشتند که کوچه را به نام «عشقی» نامگذاری کردند تا داستان این شاطر خوشنام در محل زندگی او همیشه به یادگار بماند. نانوائی اکنون توسط فرزندان و نوه های عشقی اداره می شود و بخشی اندک گار از هویت محله حصار بوعلی در نیاوران شده است.

تهران نامه



هفت کچلون لوطی های قدیمی تهران

برادران «هفت کچلون» ۸ نفر بودند؛ عباس کچلا، محمد کچلا، غلامعلی کچلا، صفر کچلا، شعبان کچلا، احمد کچلا، محمود کچلا و امیر کچلا. این برادران ساکن محله مولوی در نوجوانی و جوانی با سری تاس و کچل و موهای تراشیده در بیشتر معر که های محله به چشم می خوردند و اگر چه در سن بالاتر همگی موهای پریشنی داشتند اما به «هفت کچلون» شهرت پیدا کردند. یکی از دلایلی که این برادر به هفت کچلون معروف شدند این بود که برادر بزرگ تر خیلی در معر که گیری ها همسرا به بقیه برادرها به چشم نمی خورد. برادران هفت کچلون از جاهلان و لوطی های طهران قدیم بودند و کارشان رستوران داری بود. رستوران شان را هم برادران عباسی نامیدند، اما باز عامه از لفظ هفت کچلون برای نام رستوران استفاده می کردند که همچنان فعال است و از آن به عنوان یکی از رستوران های تاریخی و از گذشته پابر پا ماندگار تاریخ یاد می شود و یاد و نام برادران عباسی از دست به بخیری و جوانمردی در محله مولوی زبایزد مردم است.